

راهبردهای عملیاتی ارتش بعث عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران

هادی مراد پیری^۱، احمد غلامپور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده:

با وقوع انقلاب اسلامی رژیم بعث عراق و صدام حسین به این نتیجه رسیدند که در یک فرصت تاریخی می‌توانند سه انگیزه و هدف اصلی تلاش برای کسب رهبری جهان عرب، پرکردن خلاء قدرت ناشی از سقوط شاه، و جبران تحقیر ناشی از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵، را بدست آورند. از این رو با تحقق این اهداف در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ دست به تجاوز علیه جمهوری اسلامی نمودند. بر این اساس راهبردهای عملیاتی را طرح‌ریزی نمودند. این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مصاحبه به دنبال شناسایی این راهبردهای می‌باشد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که راهبردهای عملیاتی رژیم بعث عراق در ۶ مقطع قابل طرح می‌باشد. ۱- هجوم سراسری و اشغال (۱۳۵۹/۰۶/۳۱ تا ۱۳۵۹/۱۰/۳۰)، ۲- اصرار در حفظ مناطق اشغالی (۱۳۵۹/۱۰/۳۰ تا ۱۳۶۱/۰۳/۲۰)، ۳- عقب نشینی و استقرار روی خطوط مرزی (۱۳۶۱/۰۳/۲۰ تا ۱۳۶۲/۱۲/۰۲)، ۴- تلاش برای جلوگیری از ورود نیروهای ایران به خاک عراق (۱۳۶۲/۱۲/۰۲ تا ۱۳۶۷/۰۱/۲۸)، ۵- تلاش برای بازپس گیری مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق (۱۳۶۷/۰۱/۲۸ تا ۱۳۶۷/۰۴/۰۴)، ۶- تلاش برای اشغال مجدد برخی اهداف در داخل خاک ایران- حمله به خطوط پدافندی و گرفتن اسیر جهت ایجاد توازن در تعداد اسرا (۱۳۶۷/۰۴/۰۴ تا ۱۳۶۷/۰۵/۰۶).

واژگان اصلی: راهبرد، راهبرد عملیاتی، ارتش بعث عراق، جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس.

۱. دانشیار مدیریت دفاعی دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.hpieri100@gmail.com

۲. استادیار مدیریت دفاعی دانشگاه جامع امام حسین(علیه‌السلام)، تهران، ایران

مقدمه

جنگ و محیط دفاع و یا هر نقطه از خاک کشوری در جنگ در هر وضعیتی اعم از مقاومت، شکست یا پیروزی، راهبردی‌ترین موضوعی است که وجود دارد چرا که مملو از فرصت‌ها و انباشته از تهدیداتی است که می‌تواند سرنوشت، حیات و ممات و بقای یک ملت یا کشوری را تعیین کند بنابراین اگر راهبرد را فارغ از چالش‌ها و تنوع تعاریف و مفاهیم، هنر توانمندی اتخاذ تصمیمات صحیح نبرد و استفاده مؤثر از منابع و تجهیزات موجود به منظور سازماندهی، هماهنگ سازی، به کارگیری و هدایت جامع قدرت (برای کنترل وضعیت‌ها، منابع و مناطق) به منظور کسب اهداف و منافع آتی سیاسی بدانیم، موضوعات کلان و اساسی همچون جنگ و سرزمین و موجودیت و حفظ بقا از راهبردی‌ترین موضوعات‌اند.

چالش‌ها، خطرات، نگرانی‌های رقابتی و فرصت‌ها در محیط دفاع و نظامی‌گری ارتباط مستقیم و دقیق‌تری با مقوله راهبرد کشورهای هدف برقرار می‌کند؛ چرا که نقطه شروع و آغاز فرآیند هرگونه طرح‌ریزی برای جنگ یا تهاجم با تدوین یک استراتژی نظامی شروع می‌شود. به عبارتی هر راهبرد، مبتنی بر مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌ها در سطوح مختلفی است که فهم و درک آن از طریق فرایند طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌ها و تاکتی‌های به کارگرفته شده امکان‌پذیر است و اصولاً همه جنگ‌ها دارای مراحل و لایه‌های آشکار و پنهانی راهبردی هستند که تا حدود بسیار زیادی برگرفته از نظام ارزشی و ویژگی‌های فرهنگی آن کشورها می‌باشد.

همواره یکی از دغدغه‌های اصلی هر نظام دفاعی در سطح راهبردی که لازمه عقلانیت و هوشیاری در مواجهه با دشمن، همچون تجربه هشت سال دفاع مقدس می‌باشد. لزوم شناخت و تبیین راهبردهای اصلی و فرعی است که اثربخشی و کارکردی در سطح کلان دارد و نه در حد اتخاذ یک تاکتیک ساده؛ لذا این هنر، بینش راهبردی می‌طلبد و یک مهارت عمومی نیست؛ چرا که کشف و شناسایی لایه‌های ناملموس و ضمنی راهبردهای دشمن می‌بایست از طریق قدرت و درک نشانه‌شناسی ظریف و دلالت‌های تجربی ماهرانه و خبرگانی اطلاعاتی آن هم در شرایط پیچیده و متغییر نبرد به دست آید و بدون چنین شناخت و بصیرتی نمی‌توان از ابزارها و توانائی‌های خود در تعیین اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای مقابله‌ای مؤثر برای تصمیم‌گیری به اجماع و اقناع رسید و غلبه و توازن قدرت در صحنه‌های جنگ به نفع خود تغییر دارد. از این رو یکی از مؤلفه‌های اساسی دشمن‌شناسی در سطح راهبردی، توجه به رفتار حریف و ارزیابی

مستمر تغییرات و سنجش مولفه‌ها و رویکردهای راهبردی است. همچنانکه امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من نام، لم ینم عنه». هر که از دشمن خود غافل بوده و آسوده بخوابد، او بیدار و هوشیار در پی نقشه و توطئه است» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲).

این رهیافت در مورد همه جنگ‌ها، علی‌الخصوص واقعیتهای به نام تجربه هشت سال دفاع مقدس و شناخت راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران صادق، بلکه ضروری‌تر و لازم‌تر است. در واقع مهمترین و ضروری‌ترین امر برای تصمیم‌گیرندگان راهبردی و فرماندهان صحنه نبرد، شناخت دقیق و بی‌وقفه استراتژی رقیب و حریف برای مقابله و بی‌اثرسازی آن است از این‌رو جنگ را رویارویی استراتژی‌ها و «هنر جنگ» را حمله به استراتژی حریف یا دشمن دانسته‌اند. حال اگر جنگ را تقابل استراتژی‌ها بدانیم بدیهی است اساسی‌ترین ویژگی یک استراتژی کارآمد نظامی، توجه و تمرکز بر ارزیابی تغییرات فرآیندها و روندهای استراتژیک دشمن است که ضمن رصد مستمر اطلاعاتی از صحنه جنگ بتوان تغییرات و رویکردهای حاکم و محیط راهبردی در حال تغییر سریع دشمن را زودتر و پیش از بروز بحران (تغییر استراتژی دشمن) دریافت و ادراک نمود و با ابتناء بر هوشمندی اطلاعاتی در حوزه موضوعات راهبردی به صورت دانشی و هنر خبرگانی به صورت تمام عیار تجزیه و تحلیل کرده و دچار اختلال شناختی و غافلگیری استراتژیک نشویم.

با وقوع انقلاب اسلامی عراق پرجمعیت‌ترین کشور عرب منطقه که همواره با مشکل ژئوپلیتیکی و ساحل نامناسب روبه‌رو بود و تنها ارتباط این کشور با آب‌های آزاد از طریق رودخانه اروند و بندر بصره امکانپذیر بود که این ارتباط نیز با توجه به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر دچار محدودیت‌هایی از سوی ایران شده بود. و از سوی دیگر اهداف آرمان‌خواهانه انقلاب به گسترش و صدور انقلاب و تمایل شیعیان عراق به برقراری حکومت اسلامی، این تهدید به شکل جدی‌تری برای حاکمان بعثی عراق که مردمش چندان رضایتی از آنان نداشتند، باعث شد تا تفکر تجاوز و جنگ در بیان سران بعث تقویت شود. همچنین با بررسی شخصیت فردی صدام که از وی فردی پر قدرت، خشن و توانا در اداره کنترل کشور ساخته است، به سهولت به درک چرایی حمله رژیم بعث به جمهوری اسلامی ایران پی خواهیم برد. وی برای چنین اقدام گسترده‌ای سه انگیزه و هدف اصلی داشت:

الف) تلاش برای کسب رهبری جهان عرب؛

ب) پرکردن خلاء قدرت ناشی از سقوط شاه

ج) جبران تحقیر ناشی از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵.

راهبردهای ارتش رژیم بعث عراق از ابتدای ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و آغاز تهاجم تا زمان قبول آتش‌بس دستخوش تغییراتی شد، که هدف این پژوهش شناسایی راهبردهای عملیاتی ارتش بعث عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

پیشینه پژوهش

پیری و حشمتی جدید (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از دیدگاه فرماندهان دوران دفاع مقدس» با روش تحلیلی-توصیفی با رویکرد مقایسه‌ای و با استفاده از ابزارهای اسنادی و پیمایشی (پرسشنامه) با استفاده از نظرات ۵۰ نفر از اساتید، خبرگان و فرماندهان جنگ معتقدند که تهاجم عراق به کویت و به دنبال آن حمله آمریکا و متحدین به عراق، ماهیت جنگ‌ها را وارد مرحله نوینی کرده و جنگ‌های پیشین نمی‌توانند دارنده درس‌ها و نکات آموزشی قابل توجهی باشند، اما به دلیل عدم برخورداری کشورهای مختلف و خصوصاً دولت‌های موجود خاورمیانه از تکنولوژی نظامی پیشرفته و به کارگرفته شده در جنگ‌های اخیر، به نظر می‌رسد که جنگ ایران و عراق با توجه به ویژگی‌های خاص خود که در آن دوران بی نظیر بود، برای مراکز دانشگاهی و صاحب نظران نظامی ایران و منطقه حاوی درس‌ها و تجارب با ارزشی است و مطالعه و بررسی در مورد آن را ضرورت می‌بخشد. یافته‌های این پژوهش نشان داد راهبردهای به کار گرفته شده توسط جمهوری اسلامی ایران و عراق در رویارویی باهمدیگر را در سه سطح ملی، نظامی و عملیاتی می‌باشد.

حشمتی جدید و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بازخوانی مدیریت راهبردی ملی ایران و عراق در دفاع مقدس از نگاه کارشناسان بین‌المللی» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری اسنادی و کتابخانه‌ای، به دنبال هدف تبیین و بررسی اجزا و عناصر راهبرد ملی دو طرف درگیر در جنگ از نگاه کارشناسان خارجی می‌باشند. و راهبردهای ملی و مدیریت راهبردی هر دو کشور ایران و عراق در طول جنگ را از دیدگاه اندیشمندان بین‌المللی بررسی می‌کند. به وسیله پژوهش و بررسی‌های انجام شده این نتیجه به دست آمده است که ماهیت جنگ‌ها از جمله جنگ ایران و عراق به دلیل تأثیرپذیری از شرایط سیاسی، اجتماعی و

فرهنگی متفاوت بوده و در نتیجه راهبردهای متفاوت و گوناگونی را از دو طرف درگیر در جنگ، سبب شده است.

پورحسن و حاجتی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر راهبرد دفاع متحرک شوروی در تطویل و پایان جنگ عراق علیه ایران» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی معتقدند که راهبرد نظامی عراق بعد از دفاع ایستا، راهبرد دفاعی - تهاجمی متحرک بود. این راهبرد موجب ابتکار عمل عراق در صحنه میدانی جنگ و مانع انجام عملیات سرنوشت ساز توسط ایران شد و در نهایت به پذیرش قطعنامه توسط ایران منتهی شد.

پیری و بویه (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «ژئوپلیتیک صحنه‌های عملیات؛ راهبرد حملات شیمیایی در تغییر وضعیت موازنه قوا در صحنه‌های عملیاتی جنگ تحمیلی» به این نتایج دست یافتند که پس از فتح خرمشهر با تغییر موازنه قوا به نفع ایران، عراق برای جلوگیری از گسترش دامنه شکست ارتش خود، اقدام به بمب باران شیمیایی مناطق عملیاتی و برخی مناطق مسکونی ایران کرد. کاربرد این سلاح‌ها، آسیب‌هایی جدی چون کاهش توان نیروها در هنگام عملیات، لطمات روحی و روانی در سطح جامعه، کاهش سرعت پیشروی نیروها و... را در پی داشت. ضمن اینکه نیروهای عراقی نیز به دلیل عدم رویارویی مستقیم با نیروهای ایران، از آثار حملات شیمیایی دچار تلفات نمی‌شدند. براین اساس، صحنه‌های عملیات تحت‌تأثیر راهبرد تسلیحات شیمیایی عراق قرار گرفت.

مایکل کانل^۱ (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «تصمیم‌گیری عملیاتی ایران: مطالعات موردی از جنگ ایران و عراق» تصمیم‌گیری‌های نظامی در سطح عملیاتی ایران را از منظر مطالعات موردی تاریخی بررسی نموده است. وی به طور خاص، عوامل و فرآیندهای مختلفی را که بر فرماندهان نظامی ایران در طول چهار عملیات بزرگ جنگ ایران و عراق تأثیر گذاشت و آنچه ممکن است این عملیات‌ها در مورد تصمیم‌گیری نظامی امروزی به ما بگوید، را تحلیل می‌کند. از نظر پژوهشگر اگرچه مدت زمان قابل توجهی از جنگ می‌گذرد، اما اکثر رهبران ارشد نظامی ایران در این درگیری شرکت کردند که لحظه‌ای تعیین کننده در تاریخ جمهوری اسلامی بود. همچنین این تنها نمونه از درگیری بزرگ دولت با دولت در دوره پس از انقلاب است. از این رو، دانشکده‌های

1. Michael Connell

2. Iranian operational decision making: Case studies from the Iran-Iraq war

نظامی و مراکز آموزشی ایران، توجه زیادی را به مطالعه جنگ اختصاص داده‌اند، تا حدی برای استخراج درس‌های مفید عملیاتی برای زمان حال.

ارزیابی منابع منتشرشده درباره رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران دربرگیرنده نکات مهمی پیرامون هشت سال دفاع مقدس می‌باشد. و آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفته بیشتر از منظر سیاسی و برخی نیز اقتصادی به راهبردهای دو کشور پرداخته است، اما هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده به راهبردهای عملیاتی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند؛ و تجزیه و تحلیل راهبردهای عملیاتی رژیم بعث عراق، مسئله مغفول مانده پژوهش‌های پیشین می‌باشد. از این رو این پژوهش در پی شناسایی راهبردهای عملیاتی این رژیم در طول ۸ سال دفع مقدس می‌باشد.

راهبرد

هر چند از نظر تاریخی و سنتی از واژه راهبرد برای اشاره به «فن و هنر سرداری» استفاده شده است، امروزه کارکرد این مفهوم از حوزه نظامی و ادبیات جنگ فراتر رفته و از آن به عنوان ابزاری برای تأمین و حفظ صلح نیز استفاده می‌شود (کالینز، ۱۳۸۸: ۴۵). مفهوم راهبرد هم به لحاظ مقیاس و هم به لحاظ ابعاد دارای گوناگونی است؛ به طوری که می‌توان آن را از لحاظ مقیاس و بُعد تقسیم‌بندی کرد. به لحاظ مقیاس، راهبرد دارای چهار مقیاس کلی است:

۱) راهبرد محلی (شهر، روستا، ناحیه، بخش، استان، شهرستان و...):

۲) راهبرد ملی؛

۳) راهبرد منطقه‌ای؛

۴) راهبرد جهانی یا راهبرد بزرگ یا راهبرد کلان.

به لحاظ بُعد یا حوزه، راهبرد انواع بیشتری دارد و در بخش‌های گوناگون و به‌ویژه در حوزه مدیریت از آن استفاده می‌شود. بخش‌هایی مانند: ۱) راهبرد نظامی؛ ۲) ژئواستراتژی؛ ۳) راهبرد ژئوپلیتیکی؛ ۴) راهبرد سیاسی؛ ۵) راهبرد ملی و...؛ می‌توان گفت راهبرد نگاهی آینده محور دارد و هدف‌گذاری، ابزارسنجی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، فرصت و شخصیت‌سازی و در مجموع بقا و قدرت‌یابی از ویژگی‌های بارز آن است. عملیاتی و نرم‌افزاری بودن نیز ماهیت راهبرد است. در تعریف راهبرد می‌توان گفت: «تدبیر به کارگیری مجموعه‌ای از ابزارها و داشته‌ها که با

روش‌های علمی و تجربی و به صورت برنامه‌ریزی شده به اهداف مورد نظر دست یابد» (کاوندی‌کاتب، ۱۴۰۱: ۲۰-۱۷).

جی. ال. تامپسون، استراتژی (راهبرد) را سازگاری و انطباق میان منابع، فرهنگ، ارزش‌ها و محیط باهدف‌های سازمان می‌داند و معتقد است که با تجزیه و تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، چهارچوب مناسب و مفیدی برای تنظیم راهبرد فراهم می‌شود و بدین طریق، سازمان می‌تواند منابع در اختیار را با شرایط و عوامل متغیر محیطی تطبیق دهد. از طرفی چون نمی‌توان محیط و تغییرات و تحولات محیطی را دقیقاً پیشگویی کرد، لذا فرآیند انطباق منابع با محیط و هدف‌های سازمان، نیاز به اعمال مدیریت دارد. محیط، کارکنان و منابع در اختیار، عوامل کلیدی برای نیل به اهداف و انجام موفقیت‌آمیز راهبردهای سازمان به شمار می‌آیند» (نوذری، ۱۳۹۲: ۲).

«راهبرد طرحی است جامع، منسجم و انعطاف‌پذیر که ما را در رسیدن به اهدافمان یاری می‌رساند. به عبارت دیگر، راهبرد راهی است که ما را در رسیدن به هدف راهنمایی می‌کند. بنابراین هر سازمان یا مؤسسه، آگاهانه یا ناآگاهانه از یک راهبرد پیروی می‌کند و هیچ سازمان یا مؤسسه‌ای وجود ندارد که راهبرد، هرچند متفاوت، نداشته باشد» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۶).

عملیات

عملیات عبارت است از: یک اقدام نظامی یا اجرای مأموریت نظامی استراتژیکی، عملیاتی، تاکتیکی، خدمت‌مندی، آموزشی و اداری یا فرآیند اجرای نبرد شامل جابجایی، آماد، آفند، پدافند و مانور که برای رسیدن به اهداف نبرد یا عملیات‌های زنجیره‌ای ضروری می‌باشند (مختاری‌فر و پارسای‌مقدم، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

راهبردهای عملیاتی

علم و هنر توزیع، به‌کارگیری و هدایت نیروهای اختصاص یافته به یک صحنه‌ی عملیاتی یا جنگ، به منظور حصول به اهداف استراتژیکی (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۸).

مبانی نظری

عراق را می‌توان با هر یک از نظریات حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل مطالعه کرد و مسائل آن را تحلیل نمود؛ چرا که حضور بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بر پیچیدگی‌های این کشور افزوده و نوعی محیط متزلزل و شکننده را به وجود آورده که با هرگونه تغییر و تحول

جدید، می‌تواند جرقه بی‌ثباتی در این کشور و حتی در همسایگان آن را پدید آورده و زمینه را برای ظهور تهدیدات امنیتی فراهم کرد. عراق می‌تواند یک نمونه کلاسیک و تمام عیار برای نظریه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک نیز باشد. این کشور با انبوهی از مسائل قومی، ملی، مرزی، ارضی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... درگیر است. در عین حال، هیچ یک از نظریات نیز به تنهایی قادر به تحلیل همه مسائل گوناگون این کشور نیست.

جغرافیای نظامی عراق

عراق، پس از جنگ جهانی اول و با فروپاشی امپراتوری عثمانی به دست متفقین، از سه ولایت موصل در شمال (کردستان)، بغداد در مرکز (بخش سنی‌نشین کشور) و بصره در جنوب (بخش شیعه‌نشین و اکثریت) تشکیل شد و براساس معاهده سور در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م. تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. تا آغاز جنگ جهانی دوم عراق زیر نفوذ انگلستان قرار داشت. عراق در سال ۱۹۳۲، از سلطه انگلستان خارج شد و به طور رسمی استقلال یافت. تا سال ۱۹۵۸، خاندان هاشمی بر عراق حکومت می‌کرد. سرانجام در همان سال حکومت پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و حکومت جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث عراق علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را به دست گرفت. بر این اساس، دلیل وجودی عراق در پیوند با خواست همگانی نبوده و بیشتر ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت‌های فرامنطقه-ای (انگلستان و فرانسه) داشته است. این امر دو عارضه مهم برای این کشور در پی داشته است:

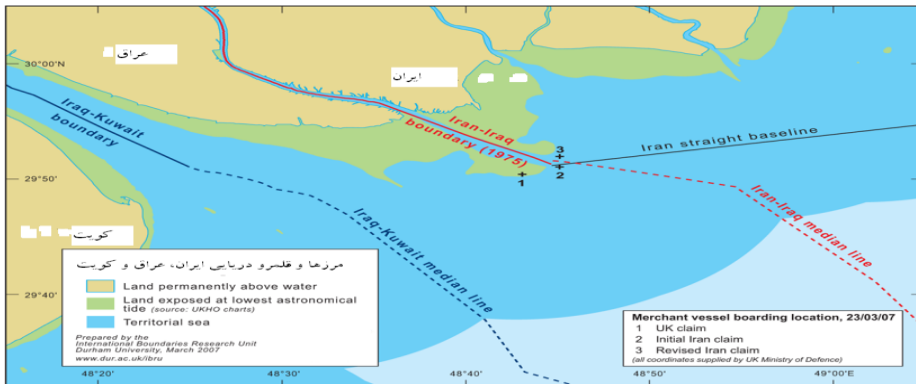
نخست، اختلافات ارضی و مرزی با همه همسایگان به جز عربستان است. این اختلافات به دلیل قراردادی بودن مرزها، به منابع آب و نفت و گاز نیز تسری یافت و موجب شد زمینه‌ها و بسترهای منازعه و تنش میان این کشور و همسایگانش همواره وجود داشته باشد.

دوم، محصور بودن نسبی عراق در خشکی است که نوعی تنگنای ژئوپلیتیک را به لحاظ عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد ایجاد کرده و تمایل استراتژیک عراق را برای حضوری وسیع-تر در خلیج فارس برجسته می‌کند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۵۵-۱۵۲).

در واقع کرانه‌های جنوبی عراق به دلیل تأمین نکردن نیازهای این کشور ناکارآمد محسوب می‌شوند. طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است (اسدی، ۱۳۸۵: ۲۳۳). این کرانه در فاصله خور عبدالله (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار دارد. با احتساب

طول آبراه خور عبدالله، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به دلیل عمق کم و باتلاقی بودن برای رفت و آمد نفت کش ها مناسب نیستند.

نقشه مرزها و قلمرو دریایی ایران، عراق و کویت بر اساس معاهده‌ی الجزایر ۱۹۷۵



این امر یکی از مشکلات ژئوپلیتیکی عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی است، طوری که رفتار سیاسی - نظامی پرجمعیت ترین کشور عربی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است و از بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک معاونت می کند. در واقع چاره جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۲۵۷). از این رو، گسترش خط ساحلی و دسترسی آسان به آب های ساحلی خلیج فارس از اهداف استراتژیک عراق بوده که این مهم از طریق پیوست خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری این کشور بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی «وربه» و «بویان» امکان پذیر است. وضعیت نامساعد کرانه ای عراق سبب شده تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد، هرگز عملی نشود. در واقع این کشور به دلیل مشکلات ژئوپلیتیکی انگیزه ای برای حل موضوع ندارد و منافع خود را در حل و فصل نشدن آن ارزیابی می کند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۴۱).

عراق از آغاز تاسیس خود تا سقوط سلطنت خاندان هاشمی کدها و علایق ژئوپلیتیک خود را در دریای مدیترانه پیگیری می کرد. حدود ۴۰ سال تلاش حاکمان بغداد بر این اساس استوار بود که با ضمیمه کردن سوریه، لبنان، فلسطین و اردن به عراق یک کشور بزرگ تحت لوای خاندان هاشمی عراق پدید آورند (ولدانی، ۱۳۸۹: ۵۵). ناممکن شدن چنین امری سیاست های عراق را

متوجه خلیج فارس کرد. اما واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، عراق را در این سو نیز با بن‌بست روبه‌رو کرد. این تغییر نگاه عراق از مدیترانه به خلیج فارس با این تفاوت همراه بود که این بار عراق تلاش داشت علائق، کدها و مکمل‌های ژئوپلیتیکی خود را با رویکردی نظامی پیگیری کند.

اروندرو در جنوب غربی ایران و هم‌مرز با کشور عراق است که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است. این رود پس از طی مسافتی طولانی در محلی به نام قصبه فیلیه به خاک ایران می‌رسد (منصوری، ۱۳۷۶: ۱۶). طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود بین شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو قرار دارد که در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد (پارساپور، ۱۳۸۹).

عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بندرهای ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند. این رود مشترک است و طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسانی در استفاده از آن دارند. با توجه به اینکه نحوه تعیین خط مرز برای رودخانه‌های مرزی یا به روش خط فرض مقسم‌المیاه (خط فرض منصف وسط رودخانه) است یا به روش تالوگ (به معنای خط‌القعر قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل)، رودخانه اروند طبق مشخصاتی که دارد باید به روش تالوگ تعیین مرز می‌شد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر همه رودخانه بود و مرز را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این ادعا فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بود. با این فرض، اروندرود جزء آب‌های داخلی عراق به شمار می‌آمد و حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام می‌شد. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرزهای مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق وجود دارد که در همه آن‌ها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. ولی عراق این استثنای غیرقانونی را تنها برای اروندرود قائل شده است (پارساپور، ۱۳۸۹). ریشه این ادعای عراق به قرارداد ۱۳ تیر ۱۳۱۶ میان دو کشور ایران و عراق برمی‌گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروند به استثنای ۵ کیلومتر از آب‌های آبادان تا خط تالوگ (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر همه اروندرود به استثنای آن ۵ کیلومتر گسترش یافت (اردستانی، ۱۳۸۷: ۷۱). با کودتای عبدالکریم

قاسم در ۲۳ تیر ۱۳۳۷، اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل شد. این در حالی بود که حسن البکر (رهبر کودتاکنندگان علیه حکومت عراق) ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی تصمیم گرفتند اسناد و مدارک کشتی‌هایی را که وارد اروندرود می‌شوند را بازرسی کنند.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران روند اجرای مفاد عهدنامه الجزایر و تعیین مرزهای آبی-خاکی ایران و عراق را متوقف کرد (سجادپور و امیری مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰). در وضعیت جدید به مرور زمان سیاست خارجی دو کشور ماهیتی تهاجمی به خود گرفت. نگرانی صدام از بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران در جامعه مستعد عراق و همچنین مهیا شدن فرصتی تاریخی برای جبران تحقیر حاصل از امضای قرارداد الجزایر، حکومت صدام را به سوی رویارویی با ایران سوق داد. علاوه بر این، از آن‌جا که انقلاب ایران سطوح قدرت در خاورمیانه را دگرگون کرده بود، عراق می‌کوشید در محیط ژئوپلیتیکی جدید اهداف و آمال سیاسی خود را نیز پی‌گیری کند. این کشور پس از سرخوردگی چندین ساله در موضوع الحاق کویت به خاک خود این بار متوجه خاک ایران شد. از این رو، همگام با تحولات و دگرگونی‌های سیاست داخلی و خارجی ایران، تنش‌های سیاسی عراق نیز شدت می‌یافت و این کشور زمینه را برای برخورد با ایران فراهم می‌کرد.

مشکلات ناشی از انقلاب و ضعف دولت مرکزی ایران وضعیت مساعدی برای عراق فراهم کرده بود تا مطامع توسعه‌طلبانه خود را درباره خوزستان عملی کند. وجود اقلیت عرب خوزستان، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمامداران عراق قرار داد؛ به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک‌ها و شیوخ قبایل عرب استان در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه‌ای یافت. عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های پان‌عرب‌یسم و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین اقدامی موجب شد تا زمامداران عراق در اشغال خوزستان برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان در اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. (رشید، ۱۳۸۸: ۲۶).

محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، گستره مانور این کشور را در خلیج فارس از نظر نظامی و اقتصادی محدود می‌کرد. تا جایی که از آغاز استقلال عراق دسترسی آسان و گسترده به آب‌های خلیج فارس پیوسته در زمره آرمان‌های رهبران آن کشور قرار گرفت. زمامداران دوران حکومت بعث برای رهایی از این مشکل ژئوپلیتیک همواره چند گزینه پیش روی خود داشتند که یکی از آن‌ها اشغال خوزستان بود. الحاق خوزستان به عراق مزیت‌هایی به این شرح برای این کشور داشت:

- (۱) تسلط بر منابع غنی نفت ایران؛
 - (۲) حاکمیت انحصاری بر آب‌های اروندرود؛
 - (۳) تسلط بر منابع مهم آبی همچون رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و بهمشیر؛
 - (۴) استفاده از مناطق حاصل‌خیز و جلگه‌یی خوزستان؛
 - (۵) بهره‌گیری از کانون‌های اقتصادی و نفتی از جمله بندرهای آبادان، خرمشهر، ماهشهر و امام خمینی (ره)؛
 - (۶) افزایش طول کرانه ساحلی؛
 - (۷) تسلط بر اتحادیه عرب؛
 - (۸) تغییر جایگاه عراق در ساختار نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی
 - (۹) تحکیم مبانی فکری حزب بعث و مشروعیت آن در جهان عرب (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۴).
- در طول جنگ ایران و عراق نیز به دلیل انسداد اروندرود و انهدام اسکله‌های نفتی البکر و الامیه و سپس فاو، راه‌های ارتباطی عراق با خلیج فارس قطع شده و این کشور توانایی اجرای عملیات دریایی را از دست داده بود؛ از این رو عراق به روش‌های گوناگون برای تصرف یا استفاده از این جزیره اقداماتی انجام داد تا ضمن به دست آوردن قدرت مانور و اجرای عملیات دریایی به تأسیسات حیاتی جمهوری اسلامی ایران در جزیره‌ی خارک نیز صدمه وارد کند. به طور کلی این موارد از جمله عللی هستند که تلاش عراق برای تملک جزایر مذکور را توجیه می‌کنند: (۱) باز شدن راه تنفسی عراق و خروج از انزوای محیطی با اتصال به خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی؛ (۲) دستیابی به ساحل مناسب و باکیفیت برای ایجاد تأسیسات و پایانه‌های نفتی و بازرگانی؛ (۳) گسترش طول ساحلی مرزها در خلیج فارس؛ (۴) افزوده شدن بر تعداد جزایر و بندرها در حوزه اقتصادی خلیج فارس و (۵) افزایش عمق استراتژیک کشور در برابر تهدیدهای نظامی.
- با این حال هرگونه تحلیلی از جنگ ایران و عراق، که منعکس کننده زوایای گوناگون این جنگ باشد، بدون ارائه و طرح یک تقسیم‌بندی منطقی و منظم از دوران جنگ، که تمام حوادث و رویدادهای نظامی، سیاسی و... آن را پوشش دهد، امکانپذیر نیست. البته می‌توان از زوایای مختلف و با ملاک‌های متفاوتی مراحل و مقاطع جنگ را مشخص کرد؛ برای مثال در صورتی که محققى بخواهد تنها با ملاک قرار دادن مسائل سیاسی، مراحل جنگ را معین نماید، به یک تقسیم‌بندی

مشخص در ارتباط با مسائل سیاسی خواهد رسید، اما به دلیل انتخاب موضوع سیاسی به عنوان محور تقسیم بندی، حوادث دیگر از جمله رویدادهای نظامی و... سهواً نادیده گرفته شده و یا حداقل به صورت فرعی به آن اشاره شده است. پس یک تقسیم بندی واقعی، مستند و همه جانبه می تواند به تجزیه و تحلیل کامل تمام حوادث و رویدادهای جنگ کمک شایانی کرده، خواننده را از سردرگمی در میان حوادث و رویدادهای گوناگون نجات بخشد.

راهبردهای عملیاتی رژیم بعث عراق پیش از تهاجم به جمهوری اسلامی ایران جنگ ماقبل جنگ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

تجاوز دولت عراق به حاکمیت ارضی ایران را نمی توان بدون توجه به سیاست های مشابه این نظام در ارتباط با دیگر دولت های همسایه آن بررسی نمود. تجاوز به حاکمیت ارضی ایران در کنار تجاوز به کویت و اشغال اراضی اردن و عربستان در دنباله سیاستی مطرح گردیده که با به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق به سیاست غالب این نظام در رفتار با همسایگان خود مبدل گشت. رفتار دولت عراق را می بایست در ارتباط آن با مبانی ایدئولوژیک حزب بعث بررسی نمود که راه را بر اتخاذ سیاست های توسعه طلبانه و سلطه جویانه در غرب آسیا هموار نمود. دولت عراق پیش از قدرت گرفتن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ نیز دارای سیاستی تجاوزکارانه در خصوص حاکمیت ارضی ایران بود؛ بی آنکه بتوان آن را به مبنایی ایدئولوژیک در مدیریت سیاسی عراق ارتباط داد.

«کتاب سفید» که در ژانویه ۱۹۶۰ از جانب دولت عراق منتشر شد، حاکی از این سیاست توسعه طلبانه است: «دولت عثمانی از شهر و بندر محمره (خرمشهر) که تابع عراق بود به نفع ایران صرف نظر کرد؛ زیرا می خواست مشکلات مرزی را فیصله بخشد. دولت عراق بعداً این موضوع را به میان نکشید چون مایل بود به مشکلات مرزی خاتمه دهد و استقرار صمیمیت را بین دو کشور همسایه جایگزین آن سازد». از این تاریخ جنبش های تجزیه طلبانه در خوزستان با پشتیبانی عراق طراحی گردید و در دنباله آن عراق مسئله عربستان (خوزستان) را در شورای جامعه عرب مطرح نمود که علیرغم پافشاری موفقیتی در جلب نظر شورا به دست نیاورد.

سال ۱۹۶۹، سال های پر تنش در روابط ایران و عراق بود. در طی این سال معاون نخست وزیر عراق، صالح مهدی عماش، صراحتاً اختلافات مرزی دو کشور را به بخش بزرگی از سرزمین ایران توسعه داد و اظهار نمود «عراق هرگز با ایران در مورد شط العرب اختلاف نداشته و شط العرب

جزئی از خاک عراق است. اختلاف در مورد عربستان (خوزستان) است که جزئی از خاک عراق بوده، در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه ایران شده است» (عبدالغانی^۱، ۱۹۸۴: ۱۶۰). بدین ترتیب برای نخستین بار یک مقام رسمی از جانب دولت عراق بخش وسیعی از خاک ایران را متعلق به دولت متبوع خود دانست. در پی این امر، دولت عراق تلاش‌هایی را برای تضعیف امنیت داخلی ایران از طریق اقداماتی مانند طراحی نقشه‌ها و تغییر اسامی متداول شهرهای ایران و تأسیس فرستنده‌های رادیویی برای بخش برنامه‌هایی در ارتباط با تعلقات قومی و هویت عربی مردمان خوزستان آغاز نمود.

با خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ و به دنبال آن اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، دولت عراق با این ادعا که جزایر مزبور متعلق به ملت عرب است در شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب طرح شکایت نمود و روابط سیاسی خود با ایران را قطع کرد. عراق به این امر اکتفا نکرده و به همه کشورهای عربی پیشنهاد نمود روابط خود با ایران را قطع نمایند که بی‌نتیجه ماند؛ چنانکه دفاعیات نماینده ایران در شورای امنیت نیز دولت عراق را ناکام گذارد و سبب شد عراق در اقدامی تلافی‌جویانه بیش از هفتاد هزار نفر از ایرانیان مقیم آن کشور را اخراج نماید.

در «اعلامیه الجزایر» مارس ۱۹۷۵ میلادی طرفین متعهد گردیدند علامت‌گذاری نهایی مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قسطنطنیه (۱۹۱۳) و صورت جلسات کمیسیون مرزی (۱۹۱۴) انجام دهند، مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزهای خود کنترلی دقیق و مؤثر به منظور جلوگیری از هرگونه رخنه و نفوذ خرابکارانه اعمال نمایند. به دنبال این توافق در همان سال، سلسله نشست‌هایی میان نمایندگان دو کشور برای مذاکره در خصوص اجرای تصمیمات گرفته شده در الجزایر برگزار گردید. نهایتاً «عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حُسن همجواری بین ایران و عراق» «پروتکل علامت‌گذاری مجدد مرزهای زمینی» و «پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای» و «پروتکل مربوط به امنیت در مرز» منعقد گردید که حاوی اصول مذکور در اعلامیه الجزایر بودند و چنین می‌نمود که اختلافات موجود میان دو کشور سرانجام حل و فصل گردیده است. اما با وجود تمام این توافقات، دیری نپایید که با پیروزی انقلاب اسلامی، دولت ایران مجدداً با رفتار متناقض دولت عراق روبه‌رو شد. ایران برای اجرای پروتکل مربوط به مرز زمینی تعداد

۱. Abdulghani

هشتاد قطعه نقشه از نوار مرزی ایران و عراق تهیه و برای درج اسامی عوارض طبیعی و مصنوعی به سفارت عراق در تهران تحویل داد؛ اما دولت عراق هیچ یک از نقشه‌ها را تکمیل و به وزارت امور خارجه ایران اعاده نکرد. (روزنامه اطلاعات، ۲۰ مرداد ۱۳۶۶: ۵). دولت عراق با تغییر سیاست خود و به عبارت دقیق‌تر با بازگشت آشکار به مبانی حزب حاکم در عراق در روابط خود با ایران، سعی در جبران ضرری داشت که ناخواسته برای حفظ موجودیت خود در برابر قدرت نظامی ایران، به آن تن داده بود.

جنگ ماقبل جنگ از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز رسمی تجاوز رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و از هم پاشیدگی نیروهای نظامی ایران به دنبال انقلاب، دولت عراق فرصتی تاریخی برای دست یافتن به ایده‌های خود در درون مرزهای ایران پیدا کرد. نگاهی به اظهارات دولتمردان عراقی پس از پیروزی انقلاب ۵۷، اهداف توسعه‌طلبانه حزب بعث را آشکار می‌نماید. صدام حسین در آوریل ۱۹۸۰ در عراق اظهار نمود «دولت عراق آماده است با زور همه اختلافات خود را با ایران حل و فصل نماید» (رمزانی^۱، ۱۹۸۶: ۵۷). چنانکه در همان ماه توقف حالت جنگ بین ایران و عراق را منوط به خروج بی‌قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی؛ بازگرداندن رژیم حقوقی شط‌العرب به حالت قبل از ۱۹۷۵ و به رسمیت شناختن عربی بودن خوزستان دانست (رمزانی، ۱۹۸۶: ۵۹). چهار روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین واکنش سیاسی عراق در برابر انقلاب ایران در سخنان سعدون حمادی وزیر خارجه نمایان شد. وی در مصاحبه‌ای گفت: عراق به ثبات ایران تا آنجا علاقه‌مند است که این کشور با اعراب، به‌ویژه عراق روابط دوستانه برقرار کند و در امور عراق دخالت نکنند. همچنین از سیاست استیلاجویی در خلیج فارس دست بشوید و به تمامیت ارضی دو کشور احترام بگذارد (روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۶). در ادامه حملات سیاسی عراق به ایران روزنامه‌ی الثورة ارگان حزب بعث عراق در خرداد ۱۳۵۸ سه روز متوالی ضمن اعلام حمایت از اقلیت عرب‌نژاد ایران به رهبران انقلابی ایران اخطار کرد که راه و روش شاه مخلوع را دنبال نکنند، زیرا این امر برایشان گران تمام می‌شود و تأکید کرد که بازوی انقلاب عراق بلندتر از آن است که به تصور آید (روزنامه‌ی اطلاعات،

1. Ramazani

۱۳۵۸/۳/۲۶). طاهر توفیق عضو رهبری ملی حزب بعث عراق نیز ضمن نکوهش سیاست ضد نژادی و تجاوزکارانه ایران در برابر عراق گفت: سیاست تجاوزکارانه ایران معرف یک معارضه جدی علیه احساسات ملت‌های عرب است و تهدیدی جدی در روابط دو کشور محسوب می‌شود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۰).

به فاصله کوتاهی پس از اشغال سفارت امریکا در ایران، سرکنسول‌گری ایران در بصره به دست مأموران عراقی اشغال شد و سفیر ایران در بغداد رسماً خواستار بسته شدن سرکنسول‌گری‌های عراق در خرمشهر و کرمانشاه و سرکنسول‌گری‌های ایران در بصره و کربلا شد (روزنامه اطلاعات، ۵۸/۸/۱۶). عراق در هر تنشی با ایران، خواسته‌ی ارضی خود در مورد اروندرود را نیز به طور شفاف بیان می‌کرد. صدام نیز در ادامه‌ی حملات لفظی خود به ایران، در فروردین ۱۳۵۹ با صراحت خواستار به رسمیت شناختن عربستان (خوزستان) به عنوان یک منطقه‌ی عربی شد. به دنبال سخنان صدام، طه یاسین رمضان نیز در اردیبهشت همان سال در سخنانی بر پای‌بندی کشورش در گرفتن حق ملت عربستان (خوزستان) تأکید کرد. در همان ماه صدام در واکنشی دیگر، در مجمع شورای ملی عراق گفت که هیچ وقت رسالت خود و مفهوم آن را از یاد نبرده‌ایم. ما فریاد زنان عربی را که در عربستان (خوزستان) به سر می‌برند، از یاد نخواهیم برد.

به موازات اظهارات و واکنش‌های خصمانه‌ی سیاسی مقاومت عراق و همگام با وضعیت سیاسی داخلی و خارجی ایران، تحرکات نظامی این کشور نیز سامان می‌گرفت. به گواه اسناد تاریخی، تحرکات نظامی عراق در مرز ایران از قبل پیروزی انقلاب شدت گرفته بود؛

برخی از اقدامات رژیم بعث عراق پیش از تجاوز به جمهوری اسلامی ایران

تاریخ	نوع اقدام
۱۳۵۷/۱۱/۰۳	نقل و انتقال ادوات و تجهیزات نظامی در مرزهای ایران
۱۳۵۷/۱۲/۰۸	بمباران شهر مرزی بانه در ایران و آبادی شوط توسط هلی‌کوپترها و هواپیماها و کشته شدن ۱۵ نفر
۱۳۵۹/۰۸/۱۳	پرواز شناسایی بر فراز خسروآباد آبادان و تقویت پاسگاه‌های مرزی در طول مرزهای خرمشهر و اروندرود
۱۳۵۸/۰۳/۱۶	بمباران دهکده‌های مرزی ایران توسط چهار جنگنده‌ها و کشته شدن ده‌هائفر
۱۳۵۸/۰۴/۲۳	بمباران روستاهای حومه‌ی اورامانات ایران توسط دو جنگنده‌ها سوخو
۱۳۵۸/۰۸/۲۳	رها کرد ایرانیان مقیم عراق در نوار مرزی با وضعیت نامناسب

تاریخ	نوع اقدام
۱۳۵۹/۰۱/۱۸	رها شدن پانزده هزار شیعی عراقی به وسیله کامیون در مرز دهلران
۱۳۵۹/۰۴/۱۷	به توپ بستن قصر شیرین و پاسگاه‌های مرزی و بمباران اطراف سردشت به وسیله هواپیماها
۱۳۵۹/۰۶/۰۶	درگیری گسترده‌یی در سرتاسر نوار مرزی قصر شیرین بین نیروهای مهاجم عراق و نیروهای ارتش ایران و سپاه پاسداران و مأموران ژاندارمری

منبع: (روزنامه اطلاعات)

علاوه بر این، صدام در ۱۳ آبان ۱۳۵۹ (یک ماه و سیزده روز پس از حمله به ایران) در یک سخنرانی به آمادگی قبلی ارتش عراق برای حمله به ایران اعتراف کرد و گفت: «برداران نظامی در گذشته به من و رهبری نزدیک شدند و پیشنهادها و توصیه‌هایی در مورد وضع ایران دادند. برای ما طبیعی بود که به حال آماده‌باش باشیم. ما با هوشیاری مراقب همسایگان خود هستیم و طرح عملیاتی برای هر کدام از آن‌ها داریم تا در صورتی که یک همسایه بخواهد به ما تجاوز نماید آن را به مورد اجرا بگذاریم. این طرح‌ها در گذشته‌ی خیلی دور تهیه شده‌اند» (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۵۸۵).

به هر میزانی که بر شدت تنش‌های ایران با غرب به‌ویژه آمریکا افزوده می‌شد دامنه تحرکات نظامی عراق نیز شدت می‌یافت. از این رو، چندی پس از آن که ابراهیم یزدی وزیر خارجه ایران اعلام کرد که قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا لغو می‌شود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۰۲/۳۱)؛ سرانجام شدت تنش‌ها به جایی رسید که روابط ایران و عراق به سطح کاردار تقلیل یافت.

همچنین دو روز بعد بر اثر حمله‌ی عراق به شهرهای نفت شهر و خسروی عده‌یی غیر نظامی شهید و مجروح شدند. ایران در واکنش به این اقدام عراق با استفاده از آتش توپ به شهرهای منظریه و خانقین حمله کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۶/۱۵). در روزهای پایانی شهریور کمابیش سرتاسر نوار مرزی ایران و عراق زیر آتش قرار می‌گرفت. طبق گزارش روابط عمومی ستاد مشترک عملیات منطقه‌ی غرب کشور، در سراسر مرز ایران و عراق درگیری وجود داشت و نفت شهر زیر آتش شدید توپ‌های عراق و نیروی هوایی این کشور بود (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۶/۱۹). در واکنش به عملیات آتشباری نیروهای ایران روی شهر زرباطیه‌ی عراق که محل تجمع ارتش عراق و انبار مهمات آن‌ها بود، ارتش عراق مقابل نوار مرزی استان ایلام با چند لشکر صف‌آرایی کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۶/۲۲).

براساس اسناد و مدارک موجود و گزارش‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت

سازمان ملل متحد، کشور متجاوز و توسعه طلب رژیم بعث عراق از تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ (مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب) تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (شروع حمله سراسری و تجاوز عراق)، مجموعاً ۶۳۷ مورد حمله و تجاوز زمینی، هوایی و دریایی به نقاط گوناگون از جمله پایگاه‌های مرزی، تأسیسات نفتی، پایگاه‌های نظامی و مناطق دریایی ایران از سمت غرب تا جنوب غربی و جنوب خلیج فارس داشته است (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۸۶).

از تاریخ ۱ تا ۱۳ شهریور ۱۳۵۹، ارتش عراق ۳۴ بار به خاک جمهوری اسلامی ایران تعرض کرد و فقط در طول ۴ روز، یعنی ۱۰ تا ۱۳ شهریور، شهرهای خرمشهر، قصر شیرین، سومار و مهران را زیر آتش انواع سلاح‌های سبک و سنگین قرار داد. ارتش عراق در ۱۳ شهریور با بمب باران ۱۳ نقطه از قصر شیرین به بیش از ۱۰۰ خانه آسیب رساند و بیش از ۱۰۰ کشته و زخمی به جای گذاشت.

راهبردهای عملیاتی ارتش رژیم بعث عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی ایران

سرانجام پس از ماه‌ها تنش سیاسی_نظامی بین ایران و عراق وزارت خارجه عراق در یادداشتی مورخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط‌العرب)، آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد (حسینی، ۱۳۸۷: ۴۶). چند روز پس از این رویداد، نبردی سنگین در طول کانال اروندرود از دهانه تا آخر خرمشهر و همچنین در مرزهای خشکی استان خوزستان در گرفت که در آن توپ تانک، موشک و انواع جنگ-افزارهای سنگین به کار گرفته شد. دامنه‌ی این نبرد به ترمینال خرمشهر و فرودگاه آبادان نیز کشیده شد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۶/۳۱). یک روز بعد از این نبرد زمینی، هواپیماهای عراقی با ورود غیرمنتظره به آسمان کرمانشاه، شیراز، همدان، تبریز، ارومیه، شهرکرد، بوشهر و تهران، فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی این شهرها را بمب‌باران کردند. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۰۷/۰۱) و بدین ترتیب با آغاز تهاجم گسترده رژیم بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به جمهوری اسلامی ایران دفاع مقدس هشت ساله ایران آغاز شد (ثانی‌نژاد، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

۱- هجوم سراسری و اشغال (حضور در شمال غرب، دورسازی در غرب و اشغال در جنوب)

از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که ارتش عراق پیش روی در خاک ایران را آغاز نمود؛ نیروهای عراقی توانستند ظرف دو هفته در چند محور عملیاتی، حدود ۱۸ هزار کیلومتر از سرزمین ایران را در جنوب

و غرب، در طول ۱۳۰۰ کیلومتر مرز زمینی به تصرف خود درآوردند. از این مقدار ۱۰ هزار کیلومتر مربع در طول ۳۰۰ کیلومتر مرز جنوبی در استان خوزستان و ۸ هزار کیلومتر مربع در طول ۱۰۰۰ کیلومتر باقی مانده در طول مرزهای ایران و عراق، بوده است (غرب ایران). در این زمان ارتش ایران از توان لازم برای انجام عملیات‌های موازی برخوردار نبود (بهداروند، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹).

راهبرد عملیاتی رژیم بعث در ابتدا مبتنی بر تلاش اصلی در جنوب و تلاش پشتیبانی در غرب بود. رژیم بعث در شمال غرب با هدف حضور، در غرب با هدف دورسازی و در جنوب با هدف اشغال خوزستان وارد نبرد با جمهوری اسلامی ایران شد. لذا رژیم بعث با این اهداف به دنبال گسترش سازمان رزم خود در شمال غرب و غرب و جنوب بود. در اثر انقلاب اسلامی ایران و خلاء قدرت ناشی از آن در منطقه خلیج فارس، فرصتی مناسب برای به تحقق پیوستن خواسته‌های عراق فراهم شد.

در این راهبرد فرودگاه‌ها و تأسیسات نظامی و اقتصادی ایران در تهران، اصفهان، تبریز، باختران، همدان، بوشهر، شیراز، دزفول، آبادان و اهواز بمباران شدند. افزون بر این، ارتش عراق منطقه‌ای به طول ۵۵۰ کیلومتر و عمق ۲۰ تا ۱۱۰ کیلومتر را اشغال کرد که بر اثر آن بیش از دو میلیون نفر از ساکنان این مناطق آواره شدند. اختلاف فاحش حمله گسترده عراق، از نظر شدت و دامنه اثر نسبت به حملات پیشین، نشان دهنده آن است که دولت عراق در ۳۱ شهریور، یعنی ۲۲ سپتامبر، جنگی تمام عیار را آغاز کرده است.

۲- اصرار در حفظ مناطق اشغالی (به دنبال فرصت برای رسیدن به اهداف نهایی فشار به نظام برای گرفتن امتیاز)

به دنبال انجام تعدادی عملیات غیرکلاسیک و محدود که موفقیت‌های نسبی برای ایران در پی داشت رژیم بعث ناچار به تغییر راهبرد و حفظ مناطق اشغالی شد. کادرسازی و افزایش اعتماد به نفس در نیروهای ایرانی نیز که منجر تصمیم‌گیری برای عملیات‌هایی چون عملیات امام مهدی (عج) در سوسنگرد؛ عملیات شهید غیور اصلی در محور حمیدیه و عملیات فرماندهی کل قوا در دارخوین شد در تعیین راهبرد جدید عراق بی تأثیر نبود (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، جلد سوم، ۱۳۷۹: ۲۳).

اتحاد بنی‌صدر، رئیس‌جمهور ایران با سازمان مجاهدین خلق، موجب تشدید درگیری و چالش در درون حکومت و به راه افتادن جنگ مسلحانه و ایجاد بحران در داخل ایران شد و با شهادت

سران و برجسته‌ترین نیروهای انقلابی همچون آیت‌الله بهشتی، حجت‌الاسلام باهنر و آقای رجایی جبهه‌های جنگ جنگ ایران دومین هدف توجه ملی به شمار می‌رفت، با عزل رئیس‌جمهور از قدرت و سرکوب سازمان مجاهدین خلق، بحران فروکش کرد و امکان رویکرد مجدد به مسئله جنگ فراهم شد. با این تفاوت که این بار، با یکپارچگی حاکمیت و امکان نیروهای انقلابی برای ایفای نقش در صحنه نبرد، زمینه بیرون راندن ارتش رژیم بعث عراق بیش از پیش فراهم شد (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، جلد سوم، ۱۳۷۹: ۲۳).

با حضور سپاه و بسیج در کانون تصمیم‌گیری‌های جنگ و ظرفیت و توان ارتش، عملیات‌های نظامی آزادسازی ایران منجر آزادی بخش وسیعی از مناطق اشغال شده گردید و موازنه نظامی-سیاسی را به نفع ایران تغییر داد. سرزمین‌های اشغالی جنوب کشور که مهم‌ترین برگ برنده عراق به شمار می‌رفت، کاملاً آزاد شد. در عملیات فتح المبین و بیت المقدس ۳۴/۰۰۰ تن از نیروهای عراق به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند. همچنین، تنها در عملیات بیت المقدس ۱۶/۰۰۰ تن از آن‌ها کشته شدند. علاوه بر این، در این دو عملیات، ۵۱۱ دستگاه تانک و نفربر، ۳۸ فروند هواپیما و ۸۰ قبضه توپ از ارتش عراق منهدم شد و شماری بیش از این (به جز هواپیما) به غنیمت در آمد. بدین ترتیب با ناکامی رژیم بعث عراق در برابر اراده خدا و ملت ایران به پایان رسید (بهداروند، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹). و ارتش رژیم بعث ناچار به تغییر راهبرد گردید.

۳- عقب نشینی و استقرار روی خطوط مرزی (اصلاح ساختار دفاعی) (جلوگیری از شکست های بیشتر و حفظ سازمان رزم)

پس از عملیات بیت‌المقدس دولت عراق در یک بیانیه آمادگی خود برای صلح با ایران و پایان جنگ را مطرح نموده به دنبال آن از پنج هزار کیلومتر مربع از هشت هزار کیلومتر مربع، اراضی تحت تصرف خود در خارج از استان خوزستان بدون درگیری جدی عقب نشینی نمود. در این خصوص باید توجه داشت این عقب نشینی را نمی‌توان با توجه به رفتار رژیم بعث عراق، برای پایان جنگ دانست بلکه ارتش رژیم بعث با این پس‌روی اغراض دیگری را برای شدت بخشیدن به جنگ و تامین اهداف استراتژیک خود دنبال می‌کرده‌اند. عقب نشینی ارتش عراق دو هدف تاکتیکی و استراتژیک داشته است.

ارتش عراق در مرحله آغاز جنگ که هجوم می‌کرد در توقف خود متکی بر مباحث تاکتیکی به معنای زمین نبود به این معنی که در یک منطقه مشخص حرکت نموده و بعد از رسیدن به هدفی

که از نظر تاکتیکی قابل دفاع است؛ توقف کند. در نقاط زیادی مانند اطراف آبادان، از کارون عبور نموده و نتوانست آبادان را تصرف کند اما در همین سرزمین ماند و به هر چهار طرف دفاع می نمود در حالی که این سرزمین از نظر تاکتیکی به هیچ وجه قابل دفاع نیست؛ یک سرزمین محصور در خشکی که دور تا دور آن را نیروهای ایرانی فرا گرفته بودند. عراق بعد از چهار عملیات پیروزمندانه نیروهای ایران و تحمل خسارات و تلفات زیاد در میدان جنگ به این نتیجه رسید که باید از نظر تاکتیکی گسترش خود را اصلاح کند و در نقاطی بایستد که بتواند به راحتی دفاع نموده و به آسانی متحمل شکست نگردد. به عبارت دیگر عراق با ابتکار عمل و با طرح عقب نشینی نقاطی را که دفاع در آن‌ها از نظر نظامی توجیه ناپذیر بود ترک نمود. از نظر استراتژیک نیز دولت عراق با عقب نشینی می توانست با تبلیغ صلح جویی خود و با تأکید بر خروج از خاک ایران؛ وجهه خود در جامعه بین المللی به عنوان متجاوز که ایران از آغاز جنگ بر آن پای می فشرد را ترمیم نماید. همچنین دولت عراق با این اقدام در پی آن بود که ورود نیروهای نظامی ایران به خاک عراق را که از جانب او بسیار محتمل بود غیرموجه جلوه دهد (بهداروند، ۱۳۸۱: ۳۶۱).

رژیم بعث عراق که برای حفظ خطها و مقابله با حملات ایران صورت گرفت. گسترش سازمان رزم و تشکیل تیپ و لشکرهای جدید بود. عراق که خطر را در بیخ گوش خود احساس می کرد، با به خدمت گرفتن ساختارهای کشور در جنگ، در زمینه نیروی انسانی به بسیج گسترده‌ای دست زد و نیروهای جدیدی را به خدمت فراخواند. با افزایش نیرو، یگان‌های جدیدی تشکیل داد که این یگان‌ها در دو سطح گسترش یافتند: ۱- در سطح یگان‌های سازمانی ارتش عراق؛ ۲- در سطح تیپ‌های سه رقمی. بدین ترتیب عراق سرمایه گذاری بزرگی را برای رشد و گسترش سازمان رزم خود در زمینه نیروی انسانی آغاز کرد. در واقع، هدف اصلی استراتژی عملیاتی رژیم بعث، دفاع مطلق و پرهیز از درگیری بود. آن‌ها تنها، در جبهه‌ها و مناطقی که ایران دست به حمله می زد، با شیوه‌های خاص دفاعی به مقابله می پرداختند و تلاش اصلی آن‌ها جلوگیری از نفوذ، توسعه سرپل و الحاق یگان‌های ایرانی بود. برای تحقق این هدف، انجام پاتک بلافاصله پس از حمله، در دستور کار یگان‌های در محل قرار داشت و در این زمینه، پاتک‌هایی برای مناطق حساس، از قبل طراحی شده بود. در همین راستا، بازسازی سریع یگان‌های آسیب دیده با حجم نیروی موجود و فرستادن آن‌ها به خط، یکی دیگر از تدابیر ارتش عراق بود. بدین ترتیب، بسیج انبوه نیروی انسانی، عراق را قادر ساخت که با جمعیتی محدود (یک سوم جمعیت

ایران) بتواند در زمان مورد نظر برای مقابله با نیروهای پیاده جمهوری اسلامی، یگان‌ها را یکی پس از دیگری وارد میدان کرده و جایگزین یگان‌های آسیب دیده کند (رضایی، ۱۳۷۴: ۸۵-۸۸).

پس از شکست‌های پی در پی ارتش عراق، این کشور دریافت، برای جلوگیری از پیشروی‌های ایران، تنها راه ممکن عقب‌نشینی سراسری به مرزهای بین‌المللی است. این اقدام، عراق را قادر می‌ساخت، ضمن برطرف کردن نقایص ضعف خود و گرفتن زمان، به ایجاد استحکامات و خط‌های دفاعی پر مانع بپردازد. و بدین ترتیب، استراتژی نظامی عراق تغییر کرد. مهمترین اهداف استراتژی جدید عراق، حفظ حکومت از سقوط به عنوان هدف استراتژی ملی و دفاع مطلق در زمین و حمله در هوا و دریا و نیز به دست آوردن فرصت مناسب برای حملات مجدد زمینی به ایران بود. (رضایی، ۱۳۷۴: ۷۰-۷۵). و در شرایطی که جنگ می‌توانست پایان یابد، اما راهبرد ایران با هدف (۱) آزادسازی سایر مناطق اشغالی و (۲) تعقیب و تنبیه متجاوز، و تصمیم قدرت‌های بزرگ به استمرار حمایت از عراق و خرد کردن اراده انقلابی در ایران، موجب راهبرد عقب‌نشینی و استقرار روی خطوط مرزی با هدف جلوگیری از شکست‌های بیشتر و حفظ سازمان رزم، رژیم بعث عراق شد.

۴- تلاش برای جلوگیری از ورود نیروهای ایران به خاک عراق (تقویت، توسعه و گسترش سازمان رزم)

با توجه به برتری مطلق ایران در این زمان، تصمیم گیرندگان سیاسی و فرماندهای نظامی ایران حاضر نبودند، بدون کمترین امتیاز، که تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت بود، عهدنامه پایان جنگ را امضا کنند. از هم گسیختگی ارتش عراق و اوضاع نابسامان داخلی این کشور بود. پس از فتح خرمشهر، شکاف و عدم انسجام موجود میان مردم، ارتش و حکومت بعثی کاملاً به چشم می‌خورد و این مسئله دورنمای روشنی را برای اقدام نظامی ایران ترسیم می‌کرد (رضایی، ۱۳۷۴: ۷۰-۷۱). در این زمان رژیم بعث عراق ناچار شده بود به مرزهای خود با ایران عقب‌نشینی کند و کاملاً خطر شکست از نیروهای در حال پیشروی ایران را درک کرده بود. این امر سبب شد تا بعثی‌ها استحکاماتی را بنا کنند و آن‌ها را از طریق یک شبکه وسیع جاده در سرتاسر جبهه‌ها با یکدیگر مرتبط نمایند. بعثی‌ها، کم‌کم این سیستم را بهبود بخشیدند و به طور فزاینده‌ای از خاک‌ریزها، سدها و آب‌گرفتگی‌های مصنوعی برای ایجاد موانع آبی استفاده کردند.

راهبرد رژیم بعث در پی تداوم عملیات نظامی از سوی ایران، ترغیب به استفاده از سه راهکار، یعنی:

۱- محروم ساختن ایران از عایدات نفت،

۲- حمله به مناطق مسکونی شهرها

۳- استفاده از سلاح شیمیایی در جنگ، برای وادرا کردن ایران به قبول آتش‌بس بود.

تأمل در سیر وقایع و تجزیه و تحلیل اسناد، بیانگر این مهم است که دولت عراق برای استفاده از هر سه تاکتیک، چراغ سبز آمریکا را دریافت کرده بود.

استراتژی عراق برای محروم ساختن ایران از عایدات نفت خود بر دو پایه استوار بود؛ یکی حمله به نفت‌کش‌های حامل نفت ایران در خلیج فارس و دیگری حمله به پایانه‌های صدور نفت ایران در جزیره خارک و از کار انداختن آن‌ها (دانکوس، ۱۳۶۷: ۲۶۰).

تاکتیک بعدی عراق برای وادار ساختن ایران به قبول آتش‌بس، حمله به مناطق مسکونی شهرها و آغاز مقطعی در تاریخ جنگ، موسوم به جنگ شهرها بود. هدف رهبران عراق از اتخاذ راهکار ذکر شده، محروم ساختن دولت جمهوری اسلامی ایران از حمایت‌های مردمی، به لحاظ مالی و انسانی در جنگ و تهییج افکار عمومی در داخل جامعه ایران، علیه ادامه جنگ بود. در همین راستا، عراق حملات بی‌وقفه خود به شهرهای ایران را آغاز و تنها از نیمه دوم سال ۱۳۶۳ شمسی (۱۹۸۴م) تا آخر تیرماه ۱۳۶۴ شمسی (۱۹۸۵) این کشور، ۵۶۴ بار شهرهای ایران را مورد حمله قرار داد (لنچافسکی، ۱۳۷۳: ۳۵۸).

در این دوره، آنچه که موسوم به جنگ نفت‌کش‌ها بود، آغاز شد. رژیم بعثی در چندین نوبت پایانه‌های صدور نفت جمهوری اسلامی ایران را مورد حمله قرار داد.

با وجود تداوم جنایت‌های صدام و حمایت علنی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران همچنان ابتکار عمل را در جنگ، در اختیار داشت. فرایندی که با فتح بندر استراتژیک فاو در بهمن ۱۳۶۴ش/ژانویه ۱۹۸۶ توسط نیروهای ایران، به نقطه اوج خود رسید (شمس، ۱۳۸۰: ۱۶). فتح این بندر استراتژیک در ژانویه ۱۹۸۶، نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود. رویداد اخیر که از دو بُعد زنگ خطر را برای آمریکا به صدا در آورد؛ نخست، سیر وقایع جنگ بیانگر تفوق ایران بود و احتمال می‌رفت جنگ به پیروزی ایران خاتمه یابد و دوم؛ فتح فاو، کویت متحد عراق در جنگ با ایران و یک از متحدین سنتی آمریکا در خلیج فارس را به دلیل قرار گرفتن در تیررس آتش توپخانه و یگان موشکی ایران به صورت جدی در معرض تهدید قرار می‌داد و این مهم و این مهم، با استراتژی دولت ریگان مبنی بر پیروز نداشتن جنگ، در تضاد بود (رئیس طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴). از این پس، آمریکا ضمن حمایت همه‌جانبه

از رژیم بعث عراق و تجهیز این کشور به سلاح‌های نظامی به دنبال فشار برای پذیرش صلح تحمیلی به جمهوری اسلامی بود (محمدی و دیگران، ۱۳۷۳: ۹۵).

۵- تلاش برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق (بازپس‌گیری مناطق تصرف شده توسط ایران)

در اوایل فروردین ماه ۱۳۶۷، عراق اطلاعاتی از سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) دریافت کرد که نشان می‌داد ایران بخشی از واحدهای توپخانه خود از شرق اروندرود را به عقب کشیده است. این اقدام بیانگر عقب‌نشینی بخشی از یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بود. از این زمان کار آماده‌سازی نیروهای عراقی برای عملیات تهاجمی به فاو آغاز شد. ارتش بعثی عراق پس از یک هفته پاتک سبک در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ در استان سلیمانیه عراق، این منطقه را از روز هشتم نبرد، رها کرد و قوای فکری خود را بر تهاجم به مواضع ایران در جبهه‌های جنوب متمرکز ساخت. ارتش عراق با دریافت اطلاعات از آمریکا به این نتیجه رسید که زمان مناسب برای بازپس‌گیری فاو و ایجاد اختلال در موازنه نظامی ایران در جنگ فرارسیده است؛ بنابراین ارتش عراق به‌جای کشیده شدن به دنبال ایرانی‌ها در نبردهای سخت کوهستانی، در پی به دست‌گیری ابتکار عمل در جبهه‌های جنوب رفت.

استراتژی آمریکا در جنگ از این پس بر دو پایه استوار بود:

۱) پایان دادن به ابتکار عمل ایران در جنگ و برعکس، قرار دادن آن در اختیار عراق

و ۲) مداخله علنی و رسمی در جنگ به نفع عراق (اسدیان، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

دولت آمریکا هم‌زمان با تلاش برای قرار دادن ایران و عراق در موقعیت‌های آفند و پدافند از

سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷م) تصمیم به مداخله علنی در جنگ، به نفع عراق گرفت.

درگیری نظامی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، علاوه بر مداخله در جنگ به

نفع عراق، بخشی از یک سناریویی بود که زمینه‌های لازم را برای عراق جهت بازپس‌گیری مناطق

تصرف شده فراهم کرد. (لنچافسکی، ۱۳۷۳: ۳۲۸-۲۴۱). در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ (۱۷ آوریل

۱۹۸۸) بازپس‌گیری جزیره فاو و خرداد سال ۱۳۶۷ بازپس‌گیری شلمچه و بازپس‌گیری جزایر

مجنون در تیرماه ۱۳۶۷ از دستاوردهای این راهبرد بود.

۶- تلاش برای اشغال مجدد برخی اهداف در داخل خاک ایران- حمله به خطوط پدافندی و

گرفتن اسیر جهت ایجاد توازن در تعداد اسرا (فشار به جمهوری اسلامی ایران برای گرفتن امتیاز

بعد از پذیرش قطعنامه توسط ایران)

موفقیت‌های نظامی ارتش رژیم بعث عراق در مدت سه ماه، باعث شد تا صدام این موفقیت‌ها در سطح استراتژیک بیان کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۰۴/۱۲) و علت آن را از دست دادن پایگاه فکری ایرانیان بدانند (روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۰۳/۰۴). با تداوم حملات رژیم بعث عراق به عمق خاک ایران، از موقعیت برتری به هنگام مذاکرات صلح بین دو کشور برخوردار شد. به نظر می‌رسید ایران با عقب‌نشینی از حلبچه آماده پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌شد. عراق با تصور این که ایران قطعنامه را خواهد پذیرفت شرایط جدیدی را برای پایان دادن به جنگ اعلام کرد:

۱- مبادله کامل و جامع اسرا

۲- عدم تعرض به راه آبی و استفاده کامل عراق از آب‌های اروندرود

۳- همکاری بین‌المللی و برخورد مسئولانه با امنیت خلیج فارس و کشورهای حوزه آن

۴- عقد قرارداد صلح جدید

۵- حسن هم‌جواری و عدم دخالت در امور و حق انتخاب دیگران.

ایران در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ با ارسال نامه‌ای به دکتویار، دبیرکل سازمان ملل رسماً قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. رژیم عراق به دلیل برخورداری از برتری نظامی، خودداری ایران از پذیرش قطعنامه را به سود خود ارزیابی می‌کرد زیرا به رژیم بعث این امکان را می‌داد که حملات خود را ادامه دهد. موضع‌گیری‌های معنی‌ها در پی قبول قطعنامه از سوی ایران به روشنی مقاصد احتمالی عراق را برای تهاجم به داخل خاک ایران آشکار می‌ساخت. از سحرگاه جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ نیروهای ارتش بعثی از دو محور کوشک و شلمچه به داخل خاک ایران پیشروی کردند (تنت، ۱۱۱۱: ۱۶۷). ولی بر اثر فرمان حضرت امام خمینی (ره) و مقاومت نیروهای ایرانی منجر به عقب‌نشینی گردید.

نتیجه‌گیری

همواره یکی از دغدغه‌های اصلی هر نظام دفاعی در سطح راهبردی که لازمه عقلانیت و هوشیاری در مواجهه با دشمن، همچون تجربه هشت سال دفاع مقدس می‌باشد. لزوم شناخت و تبیین راهبردهای اصلی و فرعی است که اثربخشی و کارکردی در سطح کلان دارد و نه در حد اتخاذ یک تاکتیک ساده؛ لذا این هنر، بینش راهبردی می‌طلبد و یک مهارت عمومی نیست؛ چرا که کشف و شناسایی لایه‌های ناملموس و ضمنی راهبردهای دشمن می‌بایست از طریق قدرت و درک

نشانه‌شناسی ظریف و دلالت‌های تجربی ماهرانه و خبرگانی اطلاعاتی آن هم در شرایط پیچیده و متغیر نبرد به دست آید و بدون چنین شناخت و بصیرتی نمی‌توان از ابزارها و توانائی‌های خود در تعیین اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای مقابله‌ای موثر برای تصمیم‌گیری به اجماع و اقناع رسید و غلبه و توازن قدرت در صحنه‌های جنگ به نفع خود تغییر دارد. از این رو یکی از مؤلفه‌های اساسی دشمن شناسی در سطح راهبردی، توجه به رفتار حریف و ارزیابی مستمر تغییرات و سنجش مؤلفه‌ها و رویکردهای راهبردی است. این رهیافت در مورد همه جنگ‌ها، علی‌الخصوص واقعیتی به نام تجربه هشت سال دفاع مقدس و شناخت راهبردهای رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران صادق، بلکه ضروری‌تر و لازم‌تر است. در واقع مهمترین و ضروری‌ترین امر برای تصمیم‌گیرندگان راهبردی و فرماندهان صحنه نبرد، شناخت دقیق و بی‌وقفه استراتژی رقیب و حریف برای مقابله و بی‌اثرسازی آن است از این رو جنگ را رویارویی استراتژی‌ها و «هنر جنگ» را حمله به استراتژی حریف یا دشمن دانسته‌اند.

با وقوع انقلاب اسلامی عراق پرجمعیت‌ترین کشور عرب منطقه که همواره با مشکل ژئوپلیتیکی و ساحل نامناسب روبه‌رو بود و تنها ارتباط این کشور با آب‌های آزاد از طریق رودخانه اروند و بندر بصره امکانپذیر بود که این ارتباط نیز با توجه به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر دچار محدودیت‌هایی از سوی ایران شده بود. و از سوی دیگر اهداف آرمان‌خواهانه انقلاب به گسترش و صدور انقلاب و تمایل شیعیان عراق به برقراری حکومت اسلامی، این تهدید به شکل جدی‌تری برای حاکمان بعثی عراق که مردمش چندان رضایتی از آنان نداشتند، باعث شد تا تفکر تجاوز و جنگ در بیان سران بعث تقویت شود. همچنین با بررسی شخصیت فردی صدام که از وی فردی پر قدرت، خشن و توانا در اداره کنترل کشور ساخته است، به سهولت به درک چرایی حمله رژیم بعث به جمهوری اسلامی ایران پی خواهیم برد. وی برای چنین اقدام گسترده‌ای سه انگیزه و هدف اصلی داشت:

الف) تلاش برای کسب رهبری جهان عرب؛

ب) پرکردن خلاء قدرت ناشی از سقوط شاه

ج) جبران تحقیر ناشی از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵.

راهبردهای ارتش رژیم بعث عراق از ابتدای ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و آغاز تهاجم تا زمان قبول

آتش‌بس دستخوش تغییراتی شد، که یافته‌های این پژوهش نشان داد راهبردهای عراق در طول ۸

سال دفاع مقدس در ۶ راهبرد عملیاتی قابل طرح می‌باشد.

راهبردهای عملیاتی رژیم بعث عراق در ۸ سال دفاع مقدس علیه جمهوری اسلامی ایران

ردیف	راهبرد	اهداف	دوره زمانی		اقدامات مهم
			شروع	پایان	
۱	هجوم سراسری و اشغال	حضور در شمال غرب دورسازی در غرب اشغال در جنوب	۱۳۵۹/۰۶/۳۱	۱۳۵۹/۱۰/۳۰	تجاوز به مرزهای ایران با ۱۲ لشکر و اشغال ۱۷ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران
۲	اصرار در حفظ مناطق اشغالی	به دنبال فرصت برای رسیدن به اهداف نهایی فشار به نظام برای گرفتن امتیاز	۱۳۵۹/۱۰/۳۰	۱۳۶۱/۰۳/۲۰	تلاش برای جلوگیری از شکست‌ها و از دست دادن مناطق اشغالی
۳	عقب نشینی و استقرار روی خطوط مرزی (اصلاح ساختار دفاعی)	جلوگیری از شکست‌های بیشتر و حفظ سازمان رزم	۱۳۶۱/۰۳/۲۰	۱۳۶۲/۱۲/۰۲	مقاومت و ایستادگی در برابر حملات ایران برای ورود به خاک عراق (رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر ۱ و...)
۴	تلاش برای جلوگیری از ورود نیروهای ایران به خاک عراق	تقویت، توسعه و گسترش سازمان رزم	۱۳۶۲/۱۲/۰۳	۱۳۶۷/۰۱/۲۸	مقابله با حملات ایران (عملیات‌های خیر، بدر، فاو، کربلای هو و الفجر ۱۰)
۵	تلاش برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق	بازپس‌گیری مناطق تصرف شده توسط ایران	۱۳۶۷/۰۱/۲۸	۱۳۶۷/۰۴/۰۴	حمله به مناطق فاو و شلمچه و جزایر میجنون و بازپس‌گیری آنها
۶	تلاش برای اشغال مجدد برخی اهداف در داخل	فشار به جمهوری اسلامی ایران برای گرفتن امتیاز بعد	۱۳۶۷/۰۴/۳۱	۱۳۶۷/۰۵/۰۶	حمله عراق به جنوب و غرب پشتیبانی حمله منافقین به ایران از غرب کشور (عملیات منافقین)

اقدامات مهم	دوره زمانی		اهداف	راهبرد	ردیف
	پایان	شروع			
			از پذیرش قطعنامه توسط ایران	خاک ایران- حمله به خطوط پدافندی و گرفتن اسیر جهت ایجاد توازن در تعداد اسرا	

منابع

- نهج البلاغه (۱۳۸۷). نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان. به قلم محمدجعفر امامی، محمدرضا آشتیانی؛ زیر نظر آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- اردستانی، حسین (۱۳۸۸). رویارویی استراتژی‌ها، جنگ عراق و ایران: تأثیرات تحولات صحنه نبرد جنگ عراق و ایران بر سیاست قدرت‌های بزرگ. تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- اسدی، بیژن (۱۳۸۵). خلیج فارس و مسائل آن. تهران: انتشارات سمت.
- پارساپور، روزبه (۱۳۸۹). اروندرود، یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین. تهران: کانون پژوهش‌های خلیج فارس.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۵). ما و عراق؛ از گذشته دور تا امروز. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پورحسن، ناصر؛ حاجتی، حامد (۱۴۰۲). تأثیر راهبرد دفاع متحرک شوروی در تطویل و پایان جنگ عراق علیه ایران. سیاست پژوهی جهان اسلام، ۱۰ (۲۸)، ۱۹-۱.
- پیری، هادی مراد؛ بویه، چمران (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک صحنه‌های عملیات؛ راهبرد حملات شیمیایی در تغییر وضعیت موازنه قوا در صحنه‌های عملیاتی جنگ تحمیلی. مطالعات دفاع مقدس، ۲ (۱)، ۸۳-۱۱۱.
- پیری، هادی مراد؛ حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای راهبرد جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ از دیدگاه فرماندهان دوران دفاع مقدس. سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۷)، ۳۶-۹.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۴). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز. تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، سیدیعقوب (۱۳۸۷). تاریخ نظامی جنگ تحمیلی. ج اول، زمینه‌های بروز جنگ، تهران: آجا.
- حشمتی جدید، مهدی؛ مظفری، احمد؛ شمس الدینی، جواد (۱۳۹۷). بازخوانی مدیریت راهبردی ملی ایران و عراق در دفاع مقدس از نگاه کارشناسان بین‌المللی. سیاست دفاعی، ۲۷ (۱۰۵)، ۵۹-۱۰۸.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۶۷/۰۴/۱۲). گزارش ویژه. بخش عربی، ۷ (۱۰۵)، ۶-۵.
- رشید، غلامعلی (۱۳۸۸). تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- روزنامه اطلاعات. قابل دسترسی در: <https://ettelaat.com/fa/archive>
- روزنامه کیهان (۱۳۶۷/۰۳/۰۴). قابل دسترسی در: <https://kayhan.ir/fa/publication>
- سجادپور، سیدکاظم؛ امیری مقدم، رضا (۱۳۸۸). نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی: مطالعه موردی: عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر. ژئوپلیتیک، ۵ (۲)، ۴۰-۱.
- علائی، حسین (۱۴۰۱). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق (جلد ۲)، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: نشر مرزوبوم، چاپ اول.

- کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۴۰۱). استراتژی‌های سرزمینی تجارب جهانی وبازتاب‌های فضایی حکومت متمرکز در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان. تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- کمپ، جفری؛ هارکاو، رابرت (۱۳۸۸). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه. جلد اول، پیشینه، مفاهیم و مسایل، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدنژاد، میرعلی؛ نوروزی؛ محمدتقی (۱۳۷۸). فرهنگ استراتژی؛ انتشارات سوره، چاپ اول.
- مختاری‌فر، محمد؛ پارسای‌مقدم، مهدی (۱۳۹۶). فرهنگ و اصطلاحات نظامی. تهران: محقق اردبیلی.
- منصوری، فیروز (۱۳۷۶). استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- Abdulghani, Jasim (1984). *Iraq and Iran the Years of Crisis* Baltimore, London: the Johns Hopkins University Press.
- Connell, Michael. (2013). Iranian operational decision making: Case studies from the Iran-Iraq war. *Middle East Magazine*, 64(3), 1-48.
- Ramazani, R. K. (1986). *Revolutionary Iran Challenge and Rresponse in the Middle East*, Baltimor and London: the Johns Hopkins University Press.